نقدی بر کتاب در دیار صوفیان/ بقلم علی دشتی

رضانژاد (نوشین)، غلامحسین

نکته مهمی که نویسنده‏"در دیار صوفیان‏"چندین جا در کتاب خود بدان اشاره‏ کرده است،جمله:"ترس بیمار گونه‏"صوفیان از آیات هول‏انگیز قرآن و ذات باریتعالی می‏باشد که پس از این جملات در صفحه 19 در مقام تشبیه معقول به محسوس برآمده و دستگاه‏ خداوندی را بدستگاه خلفای عباسی یا حجاج بن یوسف‏"علیه النیران‏"مانند کرده است‏ و نتیجه گرفته که:"پس از قتل علی بن ابیطالب علیه السلام بین مسلمانان دو تمایل متخالف‏ دیده میشود:دنیا داری و حرص ثروت و مکنت از طرفی و میل بزهد و تقوی و پیروی شدید از پیغمبر ص و خلفای او از سوی دیگر"

سپس آیاتی از قرآن نقل کرده است که دلیل بر عدم تحریم نعمت‏های الهی است‏ بر بندگانش.

نویسنده در مورد خوف،که در گمان ایشان‏"خوف از خداست‏"مانند ترس از حجاج‏ بن یوسف،نیز نظیر همه مباحث کتاب خود معنی لغوی آن را فهمیده و اندکی بدین معنی که این‏ الفاظ و کلمات در عرفان از باطن قرآن کریم تأویل شده و دارای مفاهیم دیگری غیر از معانی‏ الفاظ آنهاست،تأمل ننموده است.محی الدین در"فتوحات مکیه‏"باب صدم در مقام‏ خوف میفرماید:"ان الخوف مقام الآلهیین له الاسم الله‏"و آنرا بخوف از حجاب و رفع‏ حجاب تقسیم کرده است.

امام محمد غزالی در"احیاء العلوم‏"در باب حقیقت خوف فرموده است:"هنگامیکه‏ دل دوستدار شهود الهی،در مشاهده محبوب مبتلا بخوف از فراق باشد،مشاهده ناتمام‏ است‏"و این نقص مشاهده چنانکه شیخ ابو بکر واسطی میگوید:حجابی است میان خدایتعالی‏ و بنده‏اش،زیرا دوام شهود غایت مقامات سالکان الی الله است و خوف از فراق که از آن به حجاب تعبیر شده است،نقص در شهود می‏باشد.

اما خوف چنانکه مقامی محمود است،مبالغه در آن مذموم می‏باشد،زیرا خوف برای‏ سالک الی الله مانند تازیانه است برای چهارپایان و کودکان که اگر بکار بردن آن از حد تجاوز کند بقاعده:(الشی‏ء اذا جاوز عن حده انعکس ضده)زیان‏آور می‏باشد،و تا خوف‏ در بنده خدا نباشد،مواظبت بر علم و عمل،که او را بر تبت قرب بخدا میرساند،رعایت‏ نخواهد شد.بنابراین سالک مسیر الی الله باید که در مقام خوف از حد اعتدال تجاوز نکند.فایده این خوف که آقای دشتی از آن به ترس بیمارگونه تعبیر کرده است،عبارت‏ از:حذر،ورع،تقوی،مجاهده،عبادت،فکر و ذکر،و دیگر اسباب و وسایلی است‏ که بنده سالک را بسوی پروردگارش می‏کشاند.

موضوع قابل تذکر اینستکه عارفان بزرگ،به سبب وقوف کامل بمنازل سیر و مراحل‏ طریق،به نسبت قوای نفسانی و مقامات خود،در تحت تعلیم مرشدان راه رفته،بنصاب‏ لازم خوف برای وصول بقایات متوجه بوده‏اند،و در بکار بردن کم و زیاد این وسیله‏ رعایت لزوم و کفایت را کرده‏اند.

نصوص وارده خوف،آیات قرآنی و احادیث نبوی است در عامه و در خلاصه علاوه بر هر دو اخبار متواتره المعنی است که از مقام پیشوایان بزرگ و شیعه صدور یافته است.آیات‏ قرآن از قبیل:

"من خاف مقام ربه فلیعمل عمل صالحا"

و

"یخافون ربهم من فوقهم‏"

و

"من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی‏"

و

"و لا تخشوا الناس و اخشونی‏"

و از احادیث معتبره:"راس الحکمه مخافة الله‏"و "لا یلج النار رجل بکی من خشیه الله‏"و از اخبار روایت شده،از حضرت صادق علیه السلام:"من عرف الله خاف الله و من خاف الله‏ سخت نفسه عن الدنیا"و"ان من العباد شدة الخوف من الله‏"و از حضرت زین العابدین‏ علیه السلام:"سبحانک عجبا لمن عرفک و کیف لا یخافک‏"و بجز اینها...

آقای دشتی این خوف را که در عامه مؤمنان موجب قرب الی الله است،و در اولیاء الله‏ بصورت‏"اشفاق‏"که رقیق‏تر از خوف است وجود دارد،با خوفی که از نواقص نفس انسانی‏ است و"ابن مسکویه‏"صاحب:"تطهیر الاعراق‏"اقسام آنرا برشمرده و از امراض نفسانی‏ دانسته و علاج هریک را نیز متذکر است‏"اشتباه کرده،خصوصیت و مورد هریک را از دیگری تشخیص نداده است.اینک برای اینکه دانسته شود که عارف در مقام و منزل خوف‏ هم نمی‏پاید بذکر نکته‏ای ناگزیریم.

پس از دانستن اجمالی از خوف و اثر آن در قرب و کمال،باید فهمید که خوف در مراتب سیر و منازل مورد سلوک همیشه لازم نیست،زیرا آنچنانکه مقام خوف در عموم‏ سالکان راسخ است ولی در خصوص از اهل الله خوفی راه ندارد.این سخن را توضیحی لازم است بدین بیان:

هنگامی که انوار جمال ذات،بر دل عارفی از اولیاء،می‏تابد و به پیوند دائمی بدین‏ انوار انس و شادمانی دارد.در چنین موقعی داخل در نور بسط وجودی شده،بمقام رجاء و طمأنینه میرسد و دل او مؤید به تأییدات الهی گردیده،خوف از سطوت عظمت و اضطراب‏ از انوار جمال از دلش رخت برمی‏بندد و بمرتبه کمال بالحق فی الحق،و به توطن در مواطن‏ انوار جمال نائل میشود و پس از اینمرتبه دیگر در معرض امتحان قرار نمی‏گیرد،زیرا ذات‏ پروردگار قلب او را بایمان آزموده و آفات عذاب و زیان خوف را از او برداشته است وعارفی‏ بدین مرتبت،هنگامیکه به بهشت جمال و مشاهده راه یافته،برعایت لطف الهی از هر گزند و آفت قهرآمیزی محفوظ می‏ماند و زبان وجود او مترنم بدین آیت است که:

"الا ان‏ اولیاء الله،لا خوف علیهم و لا هم یحزنون‏".

بدیهی است کمال خوف موجب قوت‏ نفس سالک راه خداست و هرکه را این موهبت بزرگ داده شد چنانکه مولوی میفرماید، خود نیز موجب خوف جن و انس است:

هر که ترسید از حق و تقوی گزید ترسد از وی جن و انس و هرکه دید

چنانکه خوف را در جائی است،میان جبن و خوف و اشفاق و خشیت،تفاوتهائی آشکار است که ملاحظه اختصار را،از شرح هریک خودداری میشود.

(ادامه دارد)

چند ماده تاریخ

تاریخ ولادت حضر صاحب الامر:

آن مهدی که ز ما مستور است‏ و ز غیبت او کون و مکان پرشور است‏ خواهی که اگر حساب عمرش دانی‏ تاریخ ولادت شریفش‏"نور"است 256

\* تاریخ گرفتن گنجه توسط شاه عباس:

شاه عباس آنکه از اقبال او خواب در چشم عدو الماس شد تیع آتش طبع اعدا سوز او کشت عمر دشمنان را داس شد گنجه را از دشمنان دین گرفت‏ فتح او مشهور بین الناس شد مذهب باطل ز رونق بازماند باز مرگ خصم حق نشناس شد منهی غیب از پی تاریخ گفت‏ در محرم گنجه از عباس شد